



بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الله وحده زهی صانعی که از خاک و لطفه انسان را بوجود آورده و چون شیء مادی
 و منظر جلال و جمال خود و متصف بصفات کمال ساخته بجهت بیجا بصیرا و با این همه ضعف و
 ناتوانی و جعل نادانی بار امانت را که زمین و آسمان تاب تحمل آن نیاوردند تحمل ساخته و کان
 ذاك على الله يسيرا و هر یک را بخود زبهنمونی فرمود و ما شاکر او کما کنون و بر شیء
 نعمت و مؤویان امانت جنات النعیم مرتب ساخته و اذ ایت تورا ایت نعیم او کما کنون
 و برای کازان که از نعیم مقیم در رب کریم روگردانی کردند عذاب الیم مقرر ساخته سلاسل و اغلالا
 و محبوسان و از کمال ارافت انبیا و رسل فرستاده و مبشیر و نذیر و کمیل و منبشیر و تقسیم نعمت عظیم
 فرمود و بیعتت خاتمة النبیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه و سلم داعیا الی الله بلی
 و سیر جانی الی الله صلی و سلم و بارک علیه و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی الملائکة
 المقربین و علی الامة ائمة و صحابة و اصحاب و اهل بیت و اهل کتب و اهل ارض و اهل بحر و اهل
 بعد از محمد و صلوة فقیر حقیر محمد شاد الله عثمانی مجددی می نگارد که خون و طمع از جناب الهی عالم جمیع خیرات
 و حاجات جمیع مکاره و سیئات ست و اطلع بر احوال قیامت شماری کات که از این فقیر خرد ورق درین
 زبان غریب با تنخرب و اقتباس از بدو و زلسا فرو تصنیف امام بهام علام شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

این کتاب در کتابخانه
 مجلس شورای اسلامی
 تهران
 ثبت شده است
 شماره ثبت
 ...
 این کتاب در کتابخانه
 مجلس شورای اسلامی
 تهران
 ثبت شده است
 شماره ثبت
 ...

ابی بکر السید علی رحمة الله علیه نویسد تا عامه و ضعیفین از آن متمتع شوند و این عاصی بدعامی حسن خاتمه و مغفرت فرمود
او ادوات در اینند والله المستعان و علیه السلام کل و لا قوة الا بالله العلی

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صعری و صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جهل زیاد شود و زنا و شرب خمر بسیار باشد و زنان
بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه بر بست زن یک دقیقه بایستد و در صحیحین از عبده الدین عمرو از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که علم از سینهای دم منخنک خواهد شد لیکن علماء بمیرند و سرداران جاهل شوند
بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و احمد و غیره از زیاد بن ابیه روایت کرده که گفتم یا رسول الله علامت قیامت
ما قرآن میخوانیم پس آن خود را می آموزیم و آنها پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود
من ترا نامی دانستم می بینی یهود و نصاری تورات ذابیل میخوانند و بران عمل نمیکند و مسلم از جابر از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در ذکویان بسیار باشد بخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه
وسلم آورده که کارها سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که بر او
اکثرت با آرزوی موت کنند و ترندی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است که
مال خیمت را سرداران دولت خود دانند و مردم امامت را اختیار بشمارند و زکوة را نادان دانند و علم را
برای دنیا آموزند و مردمان بر داری زن و نافرمانی مادر کنند و یار را نزد یک و پدر را بعید کنند و در مساجد
آوازها بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و اراذل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان اگر می
کرده شود و مطر و باده و معارف علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر امت اول امت را لعن کنند پس
انتظار باشند در الوقت با دستها که سرخ رنگ باشد و زراعت منسوخ و قیامت در وقت و در عهد است قیامت
بی باری آید چنانچه رشته گسیخته شود و دانهها که در آن مستطعم باشند فروریزند و ترندی از
علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده که زیاد ازین دوران پسندیدند حریم گشته

در حدیثی است که از آنحضرت روایت شده است که در وقت قیامت کبری همه مردم را بر سر خود بیاورند و هر کس را بر سر خود بیاورند بر او لعن کنند و هر کس را بر سر خود نیاورند بر او رحمت کنند
در حدیثی است که از آنحضرت روایت شده است که در وقت قیامت کبری همه مردم را بر سر خود بیاورند و هر کس را بر سر خود بیاورند بر او لعن کنند و هر کس را بر سر خود نیاورند بر او رحمت کنند
در حدیثی است که از آنحضرت روایت شده است که در وقت قیامت کبری همه مردم را بر سر خود بیاورند و هر کس را بر سر خود بیاورند بر او لعن کنند و هر کس را بر سر خود نیاورند بر او رحمت کنند
در حدیثی است که از آنحضرت روایت شده است که در وقت قیامت کبری همه مردم را بر سر خود بیاورند و هر کس را بر سر خود بیاورند بر او لعن کنند و هر کس را بر سر خود نیاورند بر او رحمت کنند

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابوداد و از این مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده نخواهد رفت و نیا تا که مالک شود و عرب را مردی از اهل بیت است که نام او نام من باشد و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل برگزید یعنی از جور پرشده بود و دلگوداد و از علی رضی الله عنه روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است چنانچه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام منی شما باشد مشابه آنحضرت را در خلق نه در خلق ابوداد و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده و در صفت مهدی کشته شده بلند و بار یک منی و ابوداد و از ام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که با دوشاهی در آن زمان مردی از اهل مدینه براید و بسوی مکه که رفته رود و او را مردم برای خلافت برارند و او کاره باشد در میان رکن مقام باو می سعیت کنند پس لشکری از طرف شام برود می ستاده شود پس آن لشکر در میان مکه و مدینه در زمین فرود و ابدال از شام و عصاب از عراق آمده باو می سعیت کنند پس مردی از خویش براید که احوال او از بنی کلب باشند مهدی وی لشکر فرستد و بر وی غالب شوند و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام گیرد و هفت سال با دوشاهی کند پست میرد و مسلمانان وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شد زمین را از عدل برگزید و اهل آسمان زمین از و راضی باشند آسمان در باریدن و زمین در رو بانیدن گنجی کند مردم آرزو کنند و گویند در نیوفت اگر مردگان هم زنده بودند می خوش آسایش کردند می حد در صحیحین است که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت کند هر دو و مسلم از ابی هریره روا کرده آنحضرت صلی الله علیه و سلم که قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود و محذیکه مرد زکوة برارد و نیاید کسی که قبول زکوة کند نوع دوم در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول ایا طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج و ابد الارض وقت چاشت بر یکی که ازینها باشد دوم قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی **لَا تَأْتِيهِمْ فِيهَا الْقُلُوبُ عَلَيْهِمْ أَجْرٌ جَانِبُهُمْ دَابَّةٌ مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ**

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابوداد و از این مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده نخواهد رفت و نیا تا که مالک شود و عرب را مردی از اهل بیت است که نام او نام من باشد و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل برگزید یعنی از جور پرشده بود و دلگوداد و از علی رضی الله عنه روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید است چنانچه رسول فرمود صلی الله علیه و سلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام منی شما باشد مشابه آنحضرت را در خلق نه در خلق ابوداد و از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده و در صفت مهدی کشته شده بلند و بار یک منی و ابوداد و از ام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که با دوشاهی در آن زمان مردی از اهل مدینه براید و بسوی مکه که رفته رود و او را مردم برای خلافت برارند و او کاره باشد در میان رکن مقام باو می سعیت کنند پس لشکری از طرف شام برود می ستاده شود پس آن لشکر در میان مکه و مدینه در زمین فرود و ابدال از شام و عصاب از عراق آمده باو می سعیت کنند پس مردی از خویش براید که احوال او از بنی کلب باشند مهدی وی لشکر فرستد و بر وی غالب شوند و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام گیرد و هفت سال با دوشاهی کند پست میرد و مسلمانان وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شد زمین را از عدل برگزید و اهل آسمان زمین از و راضی باشند آسمان در باریدن و زمین در رو بانیدن گنجی کند مردم آرزو کنند و گویند در نیوفت اگر مردگان هم زنده بودند می خوش آسایش کردند می حد در صحیحین است که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت کند هر دو و مسلم از ابی هریره روا کرده آنحضرت صلی الله علیه و سلم که قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود و محذیکه مرد زکوة برارد و نیاید کسی که قبول زکوة کند نوع دوم در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول ایا طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج و ابد الارض وقت چاشت بر یکی که ازینها باشد دوم قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی **لَا تَأْتِيهِمْ فِيهَا الْقُلُوبُ عَلَيْهِمْ أَجْرٌ جَانِبُهُمْ دَابَّةٌ مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ**

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم بر
مردم دایه الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم آیات یاقین شنیدند و در قرآنی غیر متواتر تکلم
بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه آیات خدا یقین دهند
این عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران بر از خم رساند و در روایات احادیث
اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لجه و سائر بدن او
مثل برنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهار پایه باشد و در یک از کوه صفا براید ابن عباس در حج بر
کوه صفا عصا گرفت و گفت که دایه الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد
عبدالله بن عمر گفته که سر او با برسد و پای او هنوز در زمین باشد و بقوی از ابی شریح انصاری از
انحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که دایه الارض سه بار خارج شود اول زمین ذکر او در صحرا باشد
و در یک ذکر او رسد باز در صحرا قریب که براید و ذکر او در کوه رسد سوم بار در کوه براید سر خود را از خاک افشان
و بر مردم گذرد بسری که کسی از وی گزیند و سخن گوید مسلمان بیا مومن و کافر گوید یا کافر در کوه
آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی پیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ مومن
نوشته شود و تمام روی او روشن شود مثل گوکب درخشان و کافر آنکه سیاه خاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن دم نشناسند و در بازار بگویند ای مومن زنجیر بکنند
سید بی و در بعضی روایات آمده که خروج دایه الارض حضور عیسی باشد عیسی مسلمانان در طواف باشند
که زمین ببرد و صفا شکافته شود و دایه براید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیه طلوع شمس از مغرب
و خروج دایه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دایه الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند
و هیچ کافر بعد از آن ایمان نیارد و ترجمی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم
فرموده قسم بکسی که جانم در دست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و در
تا زیاده شرک نخل کلام کند و در آن خبر بد چیز می که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حد یقین
اسد غفاری از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که در چیز پیش از آن

بگسور آیدند دخان و جبال و اوبه الارض و طلوع آفتاب از مغرب نزول عیسی علیه السلام و یا جوج و یا جوج
 و خسته کند یکی در مشرق دوم در مغرب سوم در جزیره کعبه و آخر همه آتشی از زمین آید که مردم را بسوی محشر
 یعنی زمین شام و در روایتی و هم با وی تند و زود که مردم را در وریا افکند و مسلم از ابی ذر از آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و جبال و اوبه الارض هر گاه ظاهر شود بعد از آن ایمان کافر
 و توبه مقبول نباشد و تجوی و غیره از حدیقه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که علامت
 قیامت اول دخان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از خار عدن که مردم را بسوی محشر
 خدیفه گفت یا رسول الله دخان چیست آنحضرت این را خواند **فَاذْ تَقْبُتُ يَوْمَ تَأْتِي
 السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا آيَاتُ يَوْمٍ مَرْتَابَةٍ** بود و دخان از مشرق
 تا مغرب در گیرد و چهل شبانه روز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران با حالت سستی
 روی و دراز بینی و گوش و در بدو دخان بر آید و این مسعود از معنی انکار کرده در صحیح بخاری است که این
 گفته که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آن حضرت دعا کرد و قحطی شد که مردم استخوان خوردند
 و از شدت گرسنگی آنها را از زمین تا آسمان **خَانِ نَظْرِي** آمد لیکن این روایت حدیقه و غیره معلوم میشود
 و خان هم از علامات قیامت باشد و **يَا قَالِ بْنِ عَبَّاسٍ** ابن عمر و حسن بصری
 فصل قصه و جلال از رسول صلی الله علیه و سلم در صحیحین و غیره آمده که چشم راست او کور باشد و در
 بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر مرقوم باشد هر کس از مسلمانان بخواند **كَافًا**
 باشد یا نباشد جوان باشد و زولیده موی از میان عراق و شام بیرون آید بفتاد هزار کس از بیهود
 اصقنان با وی باشند بر سو فساد کند چهل روز باشد یک روز برابر سال روز دوم برابر ماه و روز سوم
 برابر هفته دیگر ایام مانند سایر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله در آن روز که برابر سال باشد ما را آغاز
 کفایت کند فرمودند اندازه کرده بخوانده باشد مثل باد تند در زمین سیر کند بر جماعتی آید که من
 پروردگار شام با من ایمان آرید آنها ایمان آرند پس آسمان را بگوید باران بار و زمین را بگوید
 زرعیت پیدا شود و مویشی آنجماعه فرید و شیردار شود و بر قومی دیگر بگذرد آنها را همچنان گوید

بدر و آسمان
 در روی ظاهر که
 زودگی در دوران
 تا این حد است
 در روایتی است
 در صحیحین قابل
 است عبدالله
 بن عباس
 عبدالله بن عمر
 حسن بصری
 یعنی الله تعالی
 عظیم و جلیل
 صلی الله علیه و سلم
 جلیل و درینند

آنها سخن اورا روکنند پس بالهای شان پلاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و گوید که خزانهای خود برود
 خزانهای زمین بشود و او کند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند که جاسوسی گوید پس
 این شخص که برآمد است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گوید پروردگار ما پوشیده
 گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
 نکشید پس او را حضور او بر نزد چون مرد مومن او را ببیند گوید این در جالست که رسول صلی الله علیه و سلم
 از آن خبر داد و بود پس جلال گوید این را بگیرید و بزنید او را بگیرند و بزنند و گوید که ایمان من آرا گوید
 که تو مسیح و جان هستی آن زمان او را از سر تا قدم از آثره دو پاره کنند و خود از میان برود
 بگذرد پسترا او را گوید که برخیز از زنده شود و برخیز و پس گوید که حالا ایمان من می آری مومن گوید که حالا
 زیاد و تر ترا دانستم که تو در جالی هستی مومن گوید که ای مردمان حالا این چنین با کسی نخواهد کرد پسترا او را جدا
 بگیرد و خواهد که ذبح کند حق تعالی کردن او از مسگر و اندکار و کارکنند پس دست و پایش گرفته بر تابد مردم
 دانند که بسوی آتش بر تافته است و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه و سلم
 فرمود که انگشتر گتر باشد و شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم
 دانند جنت است و چیزی را که جنت است و در روایتی اندر روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده
 که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در وی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پسترا او را بخواهد
 و او بر خاسته بیاید آن زمان بخندد و خوش شود و در جهان حال عیسی علیه السلام برود و دست بر
 بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرود آید در حالیکه چون سرفرو کند قطعه
 از سرش افتد و چون سربالا کند از آن مثل و انهای مرورید فرود ریزد کافر اگر بسوی او رسد نمیرد و
 و مش رسد جایکه نظر او رسد پس در پی دجال شود و او را نزد باب که در همیشه نزدیک است از آن
 در یابد و او را بکشند پس مسلمانان که از دجال محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر آنها
 شفقت فرماید و بدرجات بهشت بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی وحی کند که برادر
 از بندگان خود بندگان که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

این را بخوان
 از سر تا قدم از آثره
 دو پاره کنند و خود
 از میان برود
 جلال گوید این را
 بگیرید و بزنید او را
 بگیرند و بزنند و
 گوید که ایمان من
 آرا گوید که حالا
 ایمان من می آری
 مومن گوید که حالا
 این چنین با کسی
 نخواهد کرد پسترا
 او را جدا
 بگیرد و خواهد که
 ذبح کند حق تعالی
 کردن او از مسگر
 و اندکار و کارکنند
 پس دست و پایش
 گرفته بر تابد مردم
 دانند که بسوی آتش
 بر تافته است و او
 بسوی جنت انداخته
 شود رسول الله صلی
 الله علیه و سلم
 فرمود که انگشتر
 گتر باشد و شهادت
 نزد خدا و با دجال
 صورت جنت و نار
 باشد چیزی را که
 مردم
 دانند جنت است و
 چیزی را که جنت
 است و در روایتی
 اندر روایات مذکوره
 در صحیح مسلم آمده
 که دجال شخصی را
 طلب کند که جوانی
 در وی کامل باشد
 او را شمشیر زند
 و دو قطعه کند
 پسترا او را بخواهد
 و او بر خاسته
 بیاید آن زمان
 بخندد و خوش شود
 و در جهان حال
 عیسی علیه السلام
 برود و دست بر
 بازوهای دو فرشته
 نهاده بر مناره
 سفید شرقی
 دمشق فرود آید
 در حالیکه چون
 سرفرو کند قطعه
 از سرش افتد و
 چون سربالا کند
 از آن مثل و انهای
 مرورید فرود ریزد
 کافر اگر بسوی او
 رسد نمیرد و
 و مش رسد
 جایکه نظر او
 رسد پس در پی
 دجال شود و او
 را نزد باب که
 در همیشه نزدیک
 است از آن
 در یابد و او را
 بکشند پس
 مسلمانان که از
 دجال محفوظ
 مانده بودند
 با عیسی جمع
 شوند و عیسی
 بر آنها
 شفقت فرماید
 و بدرجات
 بهشت بشارت
 دهد پس ناگاه
 حق تعالی
 بسوی عیسی
 وحی کند که
 برادر
 از بندگان
 خود بندگان
 که کسی
 قدرت
 جنگ
 با آنها
 ندارد
 نگاهدار
 بندگان
 مرا
 بسوی
 طور
 پس
 حق
 تعالی

با جمیع و حاج را فرستند که از هر بلندی بستی می آیند پس چشمش روان آنها بر روی طریقه بگذرند
 تمام آب آنها بنوشند چون پس آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند
 آنها تا که رسند بچشمی که کوهی است نزدیک بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین را گشتم باشد که اهل آسمان
 بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهایشان را بر زمین بازگرداند و نبی علیه
 علیه السلام دیاران او مصور باشند تا آنکه کوهها و نزارها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس
 روی آرند نهی صلوة دیاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی گرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها
 بپزند پس عیسی دیاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یک و جب زمین از مردار و رید بوی با جمیع و حاج
 خالی نیابد باز عیسی دیاران او بجناب الهی دعا کنند حق تعالی جانوران را نهد بفرستد که گردنهای آنها
 مثل شتران ^ع محنتی باشد آنها را بر داشته جائیکه خدا خواهد بیند از نذر و کلماتهای تیرهای ترکشهایشان
 آنقدر باقیاند که تا بهفت سال مسلمانان مسوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از
 یا پرچه و پشم پناه ازان باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آینه پس
 بفرماید حق تعالی زمین را که شرم او دید و برکت باز دهد پس در آن روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی
 بخورد و از پوست آن سایه کند و در مویشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند
 جماعت کثیره را و گاو ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیله حور را
 همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر بغلها بگیرد ازان باد همه مسلمانان
 بپزند و کفار باقیانند با هم اختلاط کنند مثل خزان با نای قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که در جبال
 از مشرق بقصد مدینه آید پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته ^ع
 روی او را بسوی شما گردانند و آنجا پلک شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هر که در جبال
 در یابد آیات اول سوره که من بخواند از شر او ایمن باشد و بیستی از اهل بربره روایت کرده که
 در جبال برخیزد میان دو گوش آن خریفنا و باع فاصد باشد باع مقدار قدا آدم است و ده
 صحیح مسلم قصه تمیم داری است ازان معلوم می شود که در جبال موجود است محبوس است

اینها در حدیث صحیحین و در کتب معتبره است
 از شتران نرسانان
 و از گردن
 و در آن روز قیامت
 و در جبال
 و در مدینه
 و در جبال
 و در جبال

در جزیره دریای شام یا دریای چین و دخول که و مدینه و جال را میسر نه شود
فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که نزد
آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکند صلیب یا که نصار آزما می پرستند و بکشند و کمان را یعنی
حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهد بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
نصار بر کفر خود باشند و بعد عیسی گردیده نشوند و مال بسیار تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و
یک سده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و دنیاها و مسلم زیاد کرده که شتر ماده جهان را گذاشته شود
کسی بروی سعی نکند و عداوت و بغض حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود و آسمان آفتاب بگوید که شما
امامت کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اگر ام این است و این چیزی از
عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند
و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پست میرو و با من در قبر من دفن کرده شود و در
قیامت من و عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر روایت
صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
که بودن عیسی زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن رسول آسمان و هفت سال بعد از
فصل از ابی هریره در صحیحین روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت قرآن
گنجه بیرون آید از زریس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که قرأت کوهی از زریس بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و خیر مسلم از ابی هریره روایت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستون تا از زرد و نقره پس قاتل
حسرت کند و بگوید که برای این قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

در جزیره دریای شام یا دریای چین و دخول که و مدینه و جال را میسر نه شود
فصل در صحیحین از ابی هریره مروی است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که قریب است که نزد
آید عیسی بن مریم حاکم عادل شکند صلیب یا که نصار آزما می پرستند و بکشند و کمان را یعنی
حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهد بر نصار و غیره کفار از اینجا معلوم میشود که
نصار بر کفر خود باشند و بعد عیسی گردیده نشوند و مال بسیار تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و
یک سده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و دنیاها و مسلم زیاد کرده که شتر ماده جهان را گذاشته شود
کسی بروی سعی نکند و عداوت و بغض حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود و آسمان آفتاب بگوید که شما
امامت کنید و نماز کنانید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اگر ام این است و این چیزی از
عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند
و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پست میرو و با من در قبر من دفن کرده شود و در
قیامت من و عیسی بر خیزیم در میان ابی بکر و عمر و لیکن در صحیح مسلم از عبد الله بن عمر روایت
صلی الله علیه و سلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
که بودن عیسی زمین چهل و پنج سال است از آنجمله سی و هشت سال پیش از رفتن رسول آسمان و هفت سال بعد از
فصل از ابی هریره در صحیحین روایت که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که پیش از قیامت قرآن
گنجه بیرون آید از زریس کسی که آنجا حاضر باشد باید که بگیرد از آن روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمده که قرأت کوهی از زریس بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و خیر مسلم از ابی هریره روایت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستون تا از زرد و نقره پس قاتل
حسرت کند و بگوید که برای این قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که قتی کند زمین جگر گوشه های خود را مانند ستون تا از زرد و نقره پس قاتل حسرت کند و بگوید که برای این قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

میکرد این مرد و حدیث بر از منتهی حمله کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی قبول نکند و الله اعلم و مسلم از عهد الله بن مسعود و انس و غیره روایت کرده که قیامت نخواهد شد مگر بر بهترین خلق کسی در زمین است و الله بگوید بعد وفات عیسی مسلمانان از باودی لطیف بپسند و مردم معرکه و منکرانشناسند و شیطان متمثل شود و بهت پرستی و ولایت کند و لغات و غری و ذوات مخلصه بار
 آن زمان نفع صورت شود و هر که شنود که گنجد گزند را پس بپسند و الله اعلم نفع اول است که از آن بپسند و در حدیث آمده که نفع اول نفع نفع است که از آن نفع اهل آسمان در زمین در نفع و در بهشت آینه از آن نفع که باها بپسند و مثل ریگ شده بریزند در زمین در نفعش آید چنانچه کشتی در دریا میگذرد و مردم از نفعش زمین مضطرب شوند در زمین خزان مردگان را که در زمین باشند بیرون آنگند و زمان بار و در استقراط حمل کنند و بچکان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از هول بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه رویشان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند و بعضی بعضی را ندانند آن زمان زمین شکافد و آسمان مانند در می شود پس شکافد و ستارگان بریزند و شمس و قمری نور شوند این همه عذاب بر شرار خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد بعدین حال چندی باشند پستتر حکم شود و اسرافیل را که باز در صور بدمه در آن دم همه بپسند از انس و جن و شیاطین بعد ملائکه بپسند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حمله عرش پستتر حکم شود جبرئیل و میکائیل بپسند پستتر حالان عرش بپسند و عرش با حکم شود و اسرافیل بگیرد و اسرافیل بمید حق تعالی بفرماید
 إِنَّ الْمَلِكَ الْيَوْمَ كَيْسِي جَوَابُ دَهْنَدَه نَبَا شَهْ خُود بگوید **لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ**

لا تدری کسی
 در نفع و در نفع
 نفعی از نفع فلکات
 در دهه چنانکه در آن
 یعنی آسمان در آن
 نفعی از نفع
 نفعی از نفع
 نفعی از نفع
 نفعی از نفع
 نفعی از نفع
 نفعی از نفع

باب دوم در احوال روز بعثت و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنت نما

بعد نفع ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرد باران از عرش فرود بر زمین تا چهل روز تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و از آن آب حق تعالی اجساد مردگان را بر رویاند چنانچه سبزه از زمین میروید چون جسد های آدمیان کامل شود چنانچه بود حق تعالی زمینی دیگر از نقره پیدا کند

آسمانی دیگر از تپید کند و مردگان از زمین زمین اندازد بر پشت زمین و در شکم زمین پست
 حق تعالی اول جانان عرش رازنده کند پست حق تعالی اسرافیل رازنده کند او صور از عرش گیرد و
 بر لب نهد پست جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان رازنده کند و ارواح را طلب نماید ارواح مومنان
 بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد
 پس بحکم خدا اسرافیل صور بدار و ارواح با این نفخه که دوم باشد یا سوم مانند شکل از صور برآید و بحکم الهی
 هر یک روح در جسد خود داخل شود و از راه بینی و زمین شکاف و مردگان از زمین بیایند رسول فرمود صلی
 علیه و سلم اول کسی که از زمین آید من باشم پست همه مومنان از قبور برآید مومنان وقت بر حاشی
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ و کافران وقت بزحمت
 گویند **يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ**
 هر جماعتی برآیند خود با عمل خود صالحان یا صالحان یا فاسقان یا فاسقان و کافران یا کافران رسول
 فرمود صلی الله علیه و سلم بیعوت کرده شوم من روز قیامت در میان ابو بکر و عمر پس برآیم بسوس
 بقیع پس دوم بقیع با من جمع شوند پست برآید بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس حشر کرده شود بر علی که
 بران مرده باشد شهیدان چون بیعوت شوند از زخمهای شان خون برآید که در رنگ مثل خون بوی آید
 مشک باشد و هر که در حج مرده تلبیه گوید برآید و هر که در شراب خواری مرده درستی بر خیزد و همچنین
 بر عمل نیک یا بد در حین آمده که همه کسان برهنه غیر مختون بر خیزند اول کسی که پوشانیده شود و برآیم
 علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از پشت پوشانیده شود پست رسول کریم صلی الله علیه
 سلم بهتر از آن پست دیگر رسول و انبیا پست پوشانیده شوند مومنان در بعضی احادیث آمده که مردگان
 در جهان پارچه که مدفون شدند برآیند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه شهید
 مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود بیعوت شوند پست آن پارچه دور شود و
 گردند پست هر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی
 میفرماید **وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَٰلِكَ خَيْرٌ** پست رسول صلی الله علیه و سلم بر براق سوار شود

کلامی است که در روز قیامت
 از زبان خداوند برآید
 است از حق تعالی
 کلام خیر است
 از خدا نگاه ما این
 جانست که در روز
 داده بود خداوند
 در است
 در دنیا سبب آن است
 و کلام خیر است

و حسنین با تو رسول که یکم سوار شوند پسر مستقیان را بر ناقه های بهشت با نهنها می طلاد مهارهای
 سوار کرده بخشبرده شوند و فاسقان را پیاده پابند و کافران را بر رویهایشان کشید و برند در
 حدیثی آمده که هرگاه مردم از قبور بر آیند عمل او بر صورت انسانی با وی ملاقات کند عمل مسلمان
 نیکترین صورت و خوشترین بود و گوید مومن را که مرامی شناسی گوید نمی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه
 خوش داده است ترا صورت و بود گوید که همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح تو ام در دنیا بسیار
 بر پشت تو سوار می کردم حالا تو بر من سوار شوی من **مخشتر المتقین الی المؤمنین** و قد
 کنایه ازان است و عمل کافر بدترین صورت و بدترین بودی ملاقات کند و گوید که مرامی شناسی
 گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو و بوی تو گوید همچنین بودی تو در دنیا
 من عمل بد تو ام بسیار سوار می کردم تو بر من اکنون من بر تو سوار میشوم **و هو یحلقون اوزار**
عل ظهروهم عبارت ازان است و چون از قبور روان شوند فرشتگان نویسندگان بنویسند گان بنویسند
 همراه باشند و شاید باشند بر آنها مسلمانان را گویند **لا تخف ولا تحزن و انشر لیجنته**
التي كنت تؤعد یعنی خون مکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده
 کافران و فاسقان بر صورت های زبون باشند تا بینا و بعضی بر صورت خوک یا سگ یا بوزنه
 مانند آن باشند در با خواران مانند دیوزوگان استخوان نتوانند و آنکه مال میان بطلیم خورده
 چون از قبور بر خیزند شعله آتش از دهن شان بر آید قال **لست اعلم ایا کلون فی بطونهم** نگار
 شکران بر صورت مورچا باشند هر کس آنها را با پایال کند و هر که بدون حاجت سوال کند چون
 از قبر خیزد بروی او مضمون گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمان نیم کلمه نکند نوشته شود بر پیشانی او
 تا امید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه براق انداخته براق او بر روی او باشد هر که دوزخ داشته باشد
 و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد هر که در دنیا دوزبان باشد او را حق تعالی دوزبان بد
 از آتش هر که مقدار یک وجب زمین خصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت طبقه طوق در کرد
 سازد همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمت شتر یا اسب یا بز یا دیگر مال

در روز قیامت
 مستقیان را
 بر ناقه های
 بهشت
 سوار
 کرده
 بخشبرده
 شوند
 و فاسقان
 را پیاده
 پابند
 و کافران
 را بر رویهایشان
 کشید
 و برند
 در حدیثی
 آمده که
 هرگاه
 مردم
 از قبور
 بر آیند
 عمل
 او بر
 صورت
 انسانی
 با وی
 ملاقات
 کند
 عمل
 مسلمان
 نیکترین
 صورت
 و خوشترین
 بود
 و گوید
 مومن
 را که
 مرامی
 شناسی
 گوید
 نمی
 شناسم
 مگر
 آنکه
 حق
 تعالی
 چه
 خوش
 داده
 است
 ترا
 صورت
 و بود
 گوید
 که
 همچنین
 بودی
 تو
 در
 دنیا
 من
 عمل
 صالح
 تو
 ام
 در
 دنیا
 بسیار
 بر
 پشت
 تو
 سوار
 می
 کردم
 حالا
 تو
 بر
 من
 سوار
 شوی
 من
 مخشتر
 المتقین
 الی
 المؤمنین
 و قد
 کنایه
 ازان
 است
 و عمل
 کافر
 بدترین
 صورت
 و بدترین
 بودی
 ملاقات
 کند
 و گوید
 که
 مرامی
 شناسی
 گوید
 نمی
 شناسم
 لیکن
 چه
 بد
 کرده
 است
 حق
 تعالی
 صورت
 تو
 و بوی
 تو
 گوید
 همچنین
 بودی
 تو
 در
 دنیا
 من
 عمل
 بد
 تو
 ام
 بسیار
 سوار
 می
 کردم
 تو
 بر
 من
 اکنون
 من
 بر
 تو
 سوار
 میشوم
 و هو یحلقون
 اوزار
 عل ظهروهم
 عبارت
 ازان
 است
 و چون
 از
 قبور
 روان
 شوند
 فرشتگان
 نویسندگان
 بنویسند
 گان
 بنویسند
 همراه
 باشند
 و شاید
 باشند
 بر
 آنها
 مسلمانان
 را
 گویند
 لا تخف
 ولا تحزن
 و انشر
 لیجنته
 التي
 كنت
 تؤعد
 یعنی
 خون
 مکن
 و غم
 مخور
 و خوش
 باش
 بهشت
 که
 حق
 تعالی
 ترا
 وعده
 کرده
 کافران
 و فاسقان
 بر
 صورت
 های
 زبون
 باشند
 تا
 بینا
 و بعضی
 بر
 صورت
 خوک
 یا سگ
 یا بوزنه
 مانند
 آن
 باشند
 در
 با
 خواران
 مانند
 دیوزوگان
 استخوان
 نتوانند
 و آنکه
 مال
 میان
 بطلیم
 خورده
 چون
 از
 قبور
 بر
 خیزند
 شعله
 آتش
 از
 دهن
 شان
 بر
 آید
 قال
 لست
 اعلم
 ایا
 کلون
 فی
 بطونهم
 نگار
 شکران
 بر
 صورت
 مورچا
 باشند
 هر
 کس
 آنها
 را
 با
 پایال
 کند
 و هر
 که
 بدون
 حاجت
 سوال
 کند
 چون
 از
 قبر
 خیزد
 بروی
 او
 مضمون
 گوشت
 نباشد
 هر
 که
 بر
 قتل
 مسلمان
 نیم
 کلمه
 نکند
 نوشته
 شود
 بر
 پیشانی
 او
 تا
 امید
 از
 رحمت
 خدا
 هر
 که
 بجانب
 کعبه
 براق
 انداخته
 براق
 او
 بر
 روی
 او
 باشد
 هر
 که
 دوزخ
 داشته
 باشد
 و عدل
 نکند
 روز
 قیامت
 یک
 پهلوی
 او
 افتاده
 باشد
 هر
 که
 در
 دنیا
 دوزبان
 باشد
 او
 را
 حق
 تعالی
 دوزبان
 بد
 از
 آتش
 هر
 که
 مقدار
 یک
 وجب
 زمین
 خصب
 کرده
 باشد
 حق
 تعالی
 آن
 زمین
 را
 تا
 هفت
 طبقه
 طوق
 در
 کرد
 سازد
 همچنین
 اگر
 کسی
 از
 راه
 مسلمانان
 گرفته
 باشد
 هر
 که
 از
 مال
 غنیمت
 شتر
 یا
 اسب
 یا
 بز
 یا
 دیگر
 مال

خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی برگردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد
 بکلیه آن داده شود که این عمارت را بدوش خود بر دارد هر که زکات مال نداده باشد زردسیم او را با آتش و
 گرم کرده و در داغ داده شود و شتران گاو و این و گو سفند آن را اگر زکات نداده باشد آن جانوران تا
 پنجاه هزار سال بر وی بگذرد و او را پایال نمایند هر که حاکم باشد اگر چه برده کس حکم رانده باشد آورده شود
 او را دست او برگردنش بسته اگر گوی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی ظلم کرده باشد طوق
 برگردنش کرده شود هر که از ستمه سوال کرده شود او جواب میدهد و پوشیده دارد و او را از آتش
 گام داده شود و هر که در قرآن اخیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش گام داده شود و اسلام و قرآن و اعمال صالحه شفا
 کنند و در ثواب قاریان قرآن آورده و پدرشان اهلها پوشانیده شود و تاج بر سرشاده شود رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 از آتش هرگز بر گوید سبحان الله المحمدا لاله الا الله الله اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس روایت
 کرده که روز قیامت دنیا را بر صورت پیرزنی سفید مو از رزق چشم که این منظر آورده شود او را خلق
 بینند و گفته شود که این را میشناسید مردم گویند نعم ذل الله من معرفة هذه گفته شود
 که این دنیا است که بدان تفاخر میکردید و با هم حسد قطع رحم مینمودید و بغض میکردید پس او را در
 دوزخ انداخته شود پس گوید ای پروردگار ایتباع و پسروان من کجا هستند حکم شود که ایتباع و
 پسروان او را نیز با وی بیند از دشت بر دشت شود همچو روز معلومست ^{که} با که باخته عشق در شیب
 و همی از عباده بن الصامت و عمرو بن عبس روایت کرده که دنیا را آورد و آنچه در دنیا را
 خداست آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خداست در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت گفته رحم گوید هر که وصل کرده الهی
 با وی وصل کن و هر که قطع کرده الهی از وی قطع کن در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت
 و رحم و ایام دنیا و موت و مانند آن بر صورت اعیان میشود و بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال
 صورت های خوب از اعمال بد صورت های قبیح پیدا کنند و در میزان نهند و اصحاب کشفین هم احادیث را بر صورت
 حمل میکنند لیکن این بدان باید آورد و هر چه چیزی از آن تا ویات نتوان کرد و بحث از آن نباید نمود

از آتش گام داده شود و هر که در قرآن اخیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش گام داده شود و اسلام و قرآن و اعمال صالحه شفا کنند و در ثواب قاریان قرآن آورده و پدرشان اهلها پوشانیده شود و تاج بر سرشاده شود رسول فرمود صلی الله علیه و سلم از آتش هرگز بر گوید سبحان الله المحمدا لاله الا الله الله اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس روایت کرده که روز قیامت دنیا را بر صورت پیرزنی سفید مو از رزق چشم که این منظر آورده شود او را خلق بینند و گفته شود که این را میشناسید مردم گویند نعم ذل الله من معرفة هذه گفته شود که این دنیا است که بدان تفاخر میکردید و با هم حسد قطع رحم مینمودید و بغض میکردید پس او را در دوزخ انداخته شود پس گوید ای پروردگار ایتباع و پسروان من کجا هستند حکم شود که ایتباع و پسروان او را نیز با وی بیند از دشت بر دشت شود همچو روز معلومست که با که باخته عشق در شیب و همی از عباده بن الصامت و عمرو بن عبس روایت کرده که دنیا را آورد و آنچه در دنیا را خداست آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خداست در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت گفته رحم گوید هر که وصل کرده الهی با وی وصل کن و هر که قطع کرده الهی از وی قطع کن در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت و رحم و ایام دنیا و موت و مانند آن بر صورت اعیان میشود و بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال صورت های خوب از اعمال بد صورت های قبیح پیدا کنند و در میزان نهند و اصحاب کشفین هم احادیث را بر صورت حمل میکنند لیکن این بدان باید آورد و هر چه چیزی از آن تا ویات نتوان کرد و بحث از آن نباید نمود

فصل در ذکر گوشت چون مردم از قبور بر ایند تشنگی بر اینها غالب باشد و بجز نمبر را در از روز حوضی باشد
 بر امتی را علامتی باشد که نبی شان از ان علامت است خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه
 سلم با حوضی باشد بنام کوزه یعنی شیر طویل و عرض آن یکا به راه باشد آب آن سفید تر از شیر
 شیرین تر از عسل سرد تر از برون و خوشبو تر از مشک در آن آب کوزه تا باشند مانند ستارگان
 زمین ادا از یاقوت و مرجان و زرد باشد و در آن در نیز آب از بهشت افتند و علامت است
 آنست و صلی الله علیه و سلم آن باشد که روشن باشند اعضا و اعضا از ایشان و صلی بن ابی طالب
 رضی الله عنه ساقی باشد بر کرا از آن آب داد آنکس باز تشنگی نشود بعضی علما گویند که ورود
 بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی سان بر وقت
 برخاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب معاصی در آنوقت آب نداده شود بعد خلاصی از دوزخ
 پیش از دخول جنت داده شود تشنگی برداشتن در صوم سبب خوردن آب کوزه باشد مشرکان را
 آب کوزه در نصیبت نیست علامت آنکه این بود یعنی روانی و خوارج و محتزله و مانند شان
 نیز از آب کوزه مردم باشند و ابل کباب را بعد خلاصی از دوزخ آب کوزه رسد
 فصل چون مردم محشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ بر هر باگ هفتاد هزار شسته
 وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلایق باشد چنبد و حمله کند بقسمی که انبیا و ملائکه از خون وی
 بر زانو افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی استی گوید حق تعالی فرماید
 اَقْلِيَابِي مِنْ اُمَّتِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ سرد خواهیم کرد چشم ترا در حق است
 یا محمد و آفتاب دیک شود در آن روز بقدر یک سیل و حرارت او زیاده کرده شود مردم در عرق
 غرق شوند بقدر گناهای شان بعضی تا شتالنگ و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علما گفته اند
 که این از خوارق آرزوست که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و در آن روز سایه اعمال صالحه
 باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا
 و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصانه و حسن اخلاق و صلوات رحم و مانند آن سایه عرش خدا باشد

نوع دستمال
 تا از استخوان
 در سینه است
 برایشان دهن
 اند و چون شسته اند

کسانیکه خالصانه از واسطه قرابت و مانند آن با هم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا
 دوست سازند و در آن روز آنها را حق تعالی بر منبر نای نور نشانند که انبیاء و شهدا از آن غیبه کنند و کسانیکه با حق تعالی
 بمردم آموزند آنها را حق تعالی بر منبر نای زرد زیر قیبه الهمین نشانند که مرصع باشد و در آید و با قوت و پوشش
 آن قیبه از سندان استبرق باشد چون در آن روز مردم در عرصات در عرق غرق و مجوس باشند و از
 طول انتظار آرزو کنند که از آن مقام ربانی بایند اگر چه بدو رخ روند آن زمان شفیع طلب کنند اول از آدم پسترا
 پسترا از ابراهیم پسترا از موسی پسترا از عیسی شفاعت خواهند کسی از آنها در خود قدرت شفاعت نیابد اگر
 پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت بر خیزد و پیش عرش مجید آمده هر بسجده بند آنگاه
 در شسته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یا رب عده کرده بودی بمن بقبول شفاعت
 قبول کن و در میان خلائق قضا کن حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و برای قضا می آیم رسول فرمود صلی
 علیه و سلم پس همراه مردم با تم ناگاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان بپایین فرود آیند و زمین از آنها پر شود
 از جن انس که در زمین باشند از همه شان فرود باشند و صف بسته بایستند پسترا اهل آسمان مردم
 بسیار زیاده از اهل زمین و اهل آسمان اهل پسترا اهل آسمان سوم زیاده از دو همچنین جمیع اهل آسمان فرود
 بر یک زیاده از کسب پسترا حق تعالی نزول فرماید **لَا تَلْمِزُوا الْمُشْرِكِينَ شَيْئًا مِنْ النِّسَاءِ** مراد از نزول و السلام
 خوبی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص فرماید برلی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر
 انسانی عصفوری را بکشد عصفور فریاد کند یا بر این شخص مرابی فائده کشت نخورد
 نه منفعت گرفت و نه زنده گذاشت و زمین نور رسول فرمود صلی علیه و سلم زنی بسبب که به
 در و وزح رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه وا گذاشت تا از حشرات زمین بخورد و
 شتری را علف نداد آنحضرت صلی علیه و سلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت
 خواهد کرد چون قصاص جانوران تمام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند گا و گویه کاشکی
 بم خاک میشدم پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلبید و بفرماید که پیام من بنحی رسانیدی گوید
 رسانیدم امت او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشمار رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیاء

وامتنان شان سوال کند کافران بگرشود حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند است محمد صلی الله علیه و آله
 شاید است است محمد صلی الله علیه و سلم را طلب کند اینها شهادت دهند که انبیا راست میگویند
 که شما از چه آتید گویند که پیغمبر کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست
 گفتید و پیغمبر ما صلی الله علیه و سلم گواهی دهد بصدق است خود رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که سید رحمت
 شود در قیامت اول آنکه کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا
 علیه السلام عذر تعذیب آنها ظاهر کند و حجت بر دشمنان قائم کند سوم آنکه نامه اعمال هر یک بدست آید
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم میفرماید که نامه اعمال همه زیر عرضش است حق تعالی با وی برگزید که نامه اعمال
 هر یک بریده بدست او افتد مومنان را در دست راست کافران را در دست چپ از پشت اول سطر
 آن باشد **اقْرَأْ كِتَابَكَ تَكْفِي بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا** یعنی بخوان نامه اعمال خود
 کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کتبه و در عهد آمده که خوشی است کسی که در نامه او استغفار بسیار
 و اعضا علی انسان بروی شهادت دهند بر اعمال او و مکانهای او و زمانها بروی شهادت دهند آن زمان
 آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دوزخ جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از هزار کس یکی
 بیشتر و نه صد و نود و نه بدوزخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در آن سنجند
 میزان را لسان باشد آنچه در دست بگیرند و دو پله باشد تقسیم که اگر آسمانها و زمینها در آن سنجیده شود
 گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران را در میزان مطلقا وزن نباشد
حِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ در حق شان است در صحیحین از ابی هریره مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 آنکه آورده شود بروی فریب و تانزه و او را بقدر پریشه وزن نباشد و این آیت خوانند **لَا نَقِيحُ لَهُمْ**
يَوْمَ الْقِيَامَةِ و زنگه در حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت
 او هیچ حسنه باقی نماند مومنان را حسنات در یک پله تر از او نهاده شود و سیئات در پله و دهم پس
 اگر سیئات از حسنات زیاد باشد اگر حق تعالی خواهد بخشید و اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیئات
 یک حسنه هم زیاد شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را بهشت برتر و بهتری از آن

لفظ خود خوانده
 کتب کتب
 در صحیحین
 از ابی هریره
 مروی است
 که رسول
 فرمود
 صلی الله
 علیه و سلم
 آنکه
 آورده
 شود
 بروی
 فریب
 و تانزه
 و او را
 بقدر
 پریشه
 وزن
 نباشد
 و این
 آیت
 خوانند
 لَا
 نَقِيحُ
 لَهُمْ
 يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ

روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون این آدم سجده شود و اگر میزان او تعقیل شود
 و شسته نشد کند هر خلق شنود این شخص نیک است شد بد نخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او
 سبک شود بگوید که این کس بر نخت شد هرگز نیک نخت نخواهد شد در احادیث آمده **بیتان الله**
نصف میزان و الحمد لله پس میزان است **ولا اله الا الله** راجح ترست از جمع خدا نعت
والله اكبر همچنین و در صالح کسی میبرد صبر کند در روز رسول صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حسنا
 موجب ثقل میزان اند و ذی بی از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سیاه
 علما با خون شهیدان و زقیاست وزن کرده خواهد شد سیاهی علمای خون شهیدان افضل باشد و از چنان
 و برای هم شخمی مرویست که مردی را روز قیامت در میزان حسنا کم دیده شود ناگاه مثل ابراهیم در میزان
 کمیند گفته شود این حسیت گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از و جاری مانده
 و از ابی الدرداء مرویست که هرگز اہمیت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون دم
 بمشتر جمع شوند و کفار از زمین ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش و دوزخ بر
 خزند و دوزخ او را بکشند او بگوید قسم بغزت پروردگار من بزارید مرا با ازواج من گویند ازواج کیستند
 گوید هر تنگبار نافرمان پس بر چیند آنها را چنانچه مرغ دانند می چیند و در شکم خود کند و باز همچنین کند و گوید
 بزارید مرا با ازواج من گویند کیستند ازواج تو گوید **كل خنثار كفؤ** یعنی عمد شکن ناسپاس
 آنها را چیند و در شکم گیرد باز مرتبه سوم همچنین کند و گوید بزارید مرا با ازواج من گویند آنها کیستند
 گوید **كل مختال فحوق** یعنی معجب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش براید که
 آزاد و چشم باشند و زبانی فصیح و بگوید که من کرده شده ام برای کسی که با الله معبود دیگر گرد
 و هر جبار عناد کننده ناحق و بکسی که قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بر چیند پیش از
 و گیر آدمیان پیا نصدا سال و این مرجان در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود بفرستادن آدمیان
 بدوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند و قسم را گردنی از دوزخ براید و بر چیند چنانچه کبوتر را
 می چیند اول آنکسان باشند که کافر باشند بخدا از راه تکبر و انکار و دوم آنقسم باشند که کافر باشند

بحد از راه جبل و غفلت دست گرفته شود که هر کس که با خدا بگیرد پرستش که دست با معبود خود شود آفتاب
 بی روی آفتاب آتش پرستان بی روی آتش است پرستان بی روی بتان نشند و آنها با معبودان
 خود داخل دوزخ گردند و گویند لَوْ كَانَ هُوَ كَمَا كَانُوا لَآتَيْنَاهُم مَّا وَدَّوْهُم كَيْفَ يَكُونُ
 داخل دوزخ نشده است جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیاء را آنکه بیت میکنند
 در صفات الهی بر راه جبل فرستند چنانچه کفار یونان است در قسم خامس و سادسین بود و نصاری با
 و محشر شدند لب باشند گفته شود چه حال دارید گویند تشنه کیم ما را آب دهید گفته شود بروید
 و اشاره کرده شود بدوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید در آن فرستند و بر دایمی آید
 که چون عابدان بی روی معبودان کنند یک فرشته بصورت عیسی برای نصاری و یک فرشته بصورت
 خورشیدی بی روی ظاهر شود و آنها بی روی او کنند و آنها را بدوزخ رساند فقیر گوید ظاهر از بی روی
 نصاری کسی که پرستش عیسی عزیر کرده در فرقه رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی عزیر را
 رسول دانستند و پرستش آنها کردند بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه و سلم کافر شدند آنها
 در فرقه خامس و سادس داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان در میان شان منافقان باشند
 حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم بی روی معبودان خود کردند شما هم بی روی معبود خود کنید آنها گویند
 و الله که ما سولے خدا بگیر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام بگویند
 که منتظرم ما که حق تعالی را بعبادت که میشناسیم بنیم از زمان حق تعالی تجلی کند بهیچ که از آن تعبیر فرمود
 بِعَمِّ يَكْتُمُ عَنْ سَاقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ و حکم کرده شود سجد مومنان مخلص شود و
 و منافقان را پشتها مثل شاخهای گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجد نتوانند کرد و در دوزخ
 انداخته شوند پس مسلمان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده
 اول سوال کرده شود از خوزریها مقبول گوید بار بار بن پرست که مرا چاکشته حق تعالی بر سر
 حال آنکه او داناترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را که عزت مرا باشد حق تعالی فرمود
 راست گفتی در وی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان مشایعت او کنند و بهشت را

سید
 از آنکه کشته شود
 اساقی بخانه
 سوزن سبک
 جود

امرای کرد

دیگر قائل گویشتم اور تاکہ عزت مرا باشد حق تعالی فرماید پلاک شدی تو فرستاده شود بد زخ پسترد
 دیگر نظام حکم بوض کرده شود تا آنکہ کسی کہ در شیر آب انداختہ فروختہ است تکلیف دلوہ شود کہ شیر را از
 آب جدا کن سوال کرده شوند مردم از صحت بدن مسیح و بصرد دیگر نعمتہا کہ کجا صرف کردید و سوال کرده شود
 از علم کہ بیان عمل کردنیانہ و رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم علم را پوشیدہ نہارید خیانت در علم سخت ترست
 از خیانت در مال حق تعالی ازان سوال خواهد کرد فرمودہ کہ مرد از جاہ و مرتبہ سوال کردہ خواهد شد چنانچہ از مال سوال
 کردہ خواهد شد از انجاہ و از اموال و مالیک و چنان سوال کردہ خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کردہ خواهد شد
 و نماز را وزن کردہ خواهد شد نماز را عند اللہ وزن است اگر در آن نقصان خواهد بود و فرائض را بنوافل چہ نقصان
 کردہ خواهد شد پسترد زکات پسترد دیگر اعمال در حدیث آمد اول و نماز نظر کردہ خواهد شد اگر نماز بدرجہ قبول
 در دیگر اعمال نظر کردہ شود ہر کہ امامت کند قومی را باید کہ از خدا ترسد و بداند کہ او ضامن است اگر بخوبی است
 اورا ثواب باشد مثل ثوابی مقتدیان ہر چہ نقصان کند برگردن وی باشد و آرزوہ چہ سوال نکردہ خواهد شد
 از پارچہ کہ بدان ستور عورت کند و از پارچہ نان کہ گرسنگی دفع کند و خانہ بقدریکہ از گرمی ملوہ پناہ
 و سوال کردہ خواهد شد از آنکہ باکہ دوستی کردی و باکہ نکردی و باکہ دشمنی کردی و باکہ نکردی حق تعالی
 خواهد فرمود ہر کہ با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند اورا رحمت من نرسد از بادشاہ
 و قاضیان و حاکمان و سرداران سوال کردہ خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زمان کہ در
 و اولاد شوہر چہ کردہ و از بندہ کہ در مال سید چہ کردہ و چون بندہ از گناہ توبہ کند حق تعالی
 فرشتگان بازان گناہ و اموشی دہد و ہمچنین جوارح اورا و زمین با و غیرہ شہادت دہندگان را
 فراموش سازد و اگر مسلمان را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پا او خلد او را موجب اجر داند و صبر
 کند آن مصیبت عوض گناہان شود و از جزا گناہ در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب و وزن اعمال
 اگر از حقوق اللہ چیزی بزدند او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد خذاب کند و اگر خواهد بخشد و سیرت
 احمد از ابی ہریرہ روایت کردہ کہ رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم کہ حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت
 از خود نزدیک کند و بگوید نامہ اعمال خود بخوان چون برسد آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید

ع
 سیرت نبوی علیہ السلام

قبول کرده و بسجده رود و چون برخواند ن گناه رسد غمگین شود و برتر حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم
 باز بسجده رود و مردم از وی هیچ نه بینند گر سجود و یا هم مردم گویند چه خوش است این مرد هیچ گناه
 نکرده است و نمیدانند که در میان او و حق سبحانه چه گذشته و این را حساب سیر گویند که از
 عائشه روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت **اللهم احسبني حسابا كبيرا** چون از نماز فارغ
 گفت یا رسول الله حساب بسیار چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامه اعمال به میند و او را به
من فوفيت في الحساب يا عائشة هلك و اگر زیاده فضل فرماید عوض گناه ثواب کی دهد حق تعالی
يغفر ما يبذل الله سيئاتهم حسنا و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله
 که مردی را روز قیامت آورده شود و صغائر گناه بر او عرض کرده شود او بدان اقرار کند و بترسد
 و از کبائر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب نیکی دهند آنگاه آمرز و بطبع ثواب گوید که مرا
 دیگر گناهان هم هستند که نشمرده شده اند سید الرسل صلی الله علیه و آله ازین سخن خندید که دندان مبارک
 ظاهر شد و ابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را روز قیامت نامه اعمال
 او داده شود او بالای صحیفه سیات خواند و ترسان باشد و پایین صحیفه حسنات خواند باز چون بالا
 صحیفه نظر کند بجای سیات حسنات نوشته بیند و از ابی هریره روایت کرده که میگفت بعضی مردم
 روز قیامت دوست دارند که سیات بسیار بگیریم و آنها آن کسان اند که **يبدل الله سيئاتهم**
حسنات در شان آنهاست و در نیتقام و توجیه میتوان کرد و بی آنکه بندگان خاص بجز و صدور
 آنقدر زمامت میکشند و در جناب الهی تضرع و التجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند و فتح باب رحمت
 مینماید دوم آنکه کسانیک غرق در با عشق و محبت الهی هستند در غلبه حال گاهی از آنها اعمال صادر میشود
 که خیر آن شرع سجیده نمیشود مثل سماع و وجد و ربانیه مبتدعه و ترک جمع و جماعات در اربعین است و
 کلمات سطحیه حق تعالی را چنین اعمال را نظر عشق و محبت شان ثواب حسنات دهد مولوی مردم
 مشنوسه هر چه گیرد علتی علت شود و کفر گیرد کاملی علت شود و پاکان را قبایس از خود گیرد
 گر چه باند در نوشتن شیر و شیر او بدل گشت و بدل شد کار او بد لطف گشت و نور شد هزار بار

مغفرت بسیار است
 در وقت سجده و حساب
 ای عاقلان بدانند
 که در حساب
 هر چه کردند حق تعالی
 بداند و در حساب
 هر چه کردند حق تعالی
 بداند و در حساب
 هر چه کردند حق تعالی
 بداند

و آنچه در حدیث آمده که صغائر نوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود
 معنی آن باشد که عوض صغائر نوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزرگ تقدیر از پنجین کس
 کبیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و بخشش و آنچه از حقوق عباد اگر بر ذمه کسی باشد هرگز بخشیده
 بلکه حسنات مدیون بدانشین ظالم مظلوم داندیده شود و اگر حسنات او تمام شود و دیون حقوق مردم
 بروی باقی مانند سیئات و ائمان مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدو زخ فرستاده شود
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نباشد که میری در دین کسی بر تو باشد در آخرت درم و دینار نباشد
 در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیئات سومی نهاده شود و فرموده که اگر در راه خدا کشته شود
 و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامه اعمال
 گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود دوم بابت حقوق الله حق تعالی در
 بخشیدن حق خود باک ندارد سوم ظلم عباد و در آن قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس نسبت
 که نماز و روزه و غیره حسنات دارد یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفت و
 دیگر را خون ریخته و دیگر را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
 هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده او را بدو زخ انداخته شود لیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
 خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دامن رهایی داند رسول فرمود صلی الله علیه
 سلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او او را کت و اگر
 در نیت او او انباشد قصاص حسنات و سیئات کند و همداگر دین بر او سرفروخته شده باشد
 البته ما خود شود و اگر بنا بر ضرورت یا برای تقویت بر جهاد یا برای تعفف و نکاح یا برای تکفین
 مرده فقیر مسلمان مدیون شده باشد نیت او او را روح تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
 تفصل کند مظلومان را با لغات خوش کند تا که او را بخشند و او را با خود به بهشت برند
 فصل بعضی مسلمانان راحق تعالی بغیر حساب به بهشت داخل کند و ایشان را از
 حساب زدود و در صحیحین از ابن عباس مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم عرض کرده

بر من استماعی بجای سابق با بعضی از پیغمبران بگردم و من است و با بعضی و در بعضی کلمات
 و با بعضی حاجتی است و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده و هر سو همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
 است نسبت با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی
 علیه و سلم آنها کسانند که افسون نکنند و زنا نکنند و تطهر نکنند و بر خدا توکل کنند عکاش
 روشی الله گفته من هم از انجماع باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود
 عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
 ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار
 از است تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشد و سه حثیات از
 حثیات پروردگار و حثی چیزی را گویند که در وقت شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
 و غیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند روی شان مانند ماه شنبه چهارم باشد پس
 زیاد طبرستان کردم از خدا پس زیاده کرد حق تعالی با هر کس از آن هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس در حدیثی
 آمده که کسانیکه عهد کنند در راحت و در پنج داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شصت و بیست
 و هفت هزار کس شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی
 الله خواهند بود بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی بر آنها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
 بدی کند ایشان را بخشاید و کسی با ایشان چل کند ایشان چل نمایند و اهل صبر آنها
 که بر خدا عهد کرده اند و مصیبت صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا با همه دوستی کنند
 و بی دین و نیاله ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در ریخ و مصیبتها صبر کند و هر که
 در هیچ عهد نگیرد و اهل عزت و اجسان و طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و دلش
 به الله بیند که از دنیا بگذرد و طعام و قسم نتواند خورد و شراب و قسم ندارد و
 دنیا رغبت نازد و کسی که از خوف خدا بگریه بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصیبهالی از آن
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم چون نیز آنها قائم شوند اهل نماز و اهل روز

و اهل حج را ثواب داده شود همی ز آنها و اهل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نهاده شود نه
 و در اعمال برای آنها کثاوه شود و در محنت شود بر آنها ثواب بخیر حساب تا آنکه اهل عاقبت بکنند
 آنکه بدنه های شان در دنیا بقراضها بریده میشود حق تعالی بفرماید **عَمَّا يَتَّقِي الْعِبَادِ وَ اجْرَمُ**
بِخَيْرِ حِسَابٍ یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بخیر حساب بپسند
 کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم بر رفتن بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال
 شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرا و کمترین نور کسی را
 باشد که نور او در زنگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود و گاهی پوشیده و کافران منافقان
 نور نباشد قال الله تعالی **وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ مَا نَسَّكَ اللَّهُ تَوْفِيقًا فَإِنَّهُ لَمِنَ الْكَافِرِينَ** و در بعضی اعاد
 آمده که منافقان را هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطقی شود و منافقان مومنان را بگویند که
 نظر کنید با ما هم از نور شمار و شنی گیریم مومنان گویند **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُفِّرُوا بِلِقَائِكُمْ**
أَنْفُسَكُمْ باز گردید پس بهشت خود جا نیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنچه نور طلب کنید یا آنکه
 دنیا روید آنچه ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از آن است آنگاه مومنان را دیواری
 مثل دیوار قلعه پیش آید در آن دیوار در باشد مومنان از آن در گذرند و منافقان بیرون
 باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب و دوزخ منافقان
 مومنان را آواز دهند آیا با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن
 نفس خود را در فرستید یعنی کفر و مصیبت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمود
 ظاهرا در آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکسند
 که در باطن کفر دارند و بنا بر تقیه و استهزا کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور ایمان
 است و ایمان بقلب نعلق دارد و در احادیث که دارد شده که منافقان را نور منطقی شود
 مراد از اصحاب توحید از فرقه های مبتدعه باشد در افاض و خوارج و معتزله و مانند شان که
 نور ایمان آنها از دو بدعت منطقی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه و سلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تاریکیها بساجد رود و نور تمام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کهن
خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان بفریاد باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
گورشود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد
روز قیامت و فرموده ذکر کنند و در بازار را از هر سو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که
سخنی از مسلمانان دور کند او را مشعل باشد از نور بر صراط که از آن دشتی پذیرد عالمی که احاطه
نکند آنها را اگر رب العزت و فرمود که بر نیز کنید از ظلم پرستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت
فصل چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ چلی باشد
که آنرا صراط گویند بارگیز از مو و تیز از شمشیر و بر آن پل گلوبها و خارها باشد کافران و منافقان
در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان از آن بگذرند بر اعمال خود بعضی مثل قی
و بعضی مثل باد تند و بعضی مثل اسب تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلده
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخوابی و وقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی بسبب
گناهان خود در دوزخ افتند در حدیث آمده که هر که واسطه شود بسو پادشاه برای حاجت براری مسلمانان
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هر که مردم سبقت پذیرد صلی الله علیه و سلم آموزد و چشم زدن بر صراط دیر نکند و آرزوی بن نبیره رود
و او و علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلده در تر بر صراط که باشد فرمود کسانیکه از حکم من با شنیدند
و زبان نشان بزرگتر باشد و این مبارک و این ابی الدنیا از سعید بن ابی ثانی روایت کرد که صراط
روز قیامت بر بعضی مردم باریکتر از سوز باشد و بر بعضی مثل وادی پهن تر حق تعالی میفرماید
قُلْ مَنْ مَنَعَكَ اَنْ تَرَىٰ هَٰؤُلَاءِ اَنْ يَكُوْنُوْا عَلٰى رِجْلَيْكَ خَمًا مَّقْضِيَةً تَخْتَضِعْنَ لِحُجْرَتِ الْاِيْمَانِ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا قُلْ
الظَّالِمِيْنَ فِيْهَا جَنِيَّتًا يَعْنِيْ نَبَاتٌ اِذَا شَاكَسِيْ مَكَرًا و شود دوزخ زمست این امر بر پروردگار تو
لازم حکم کرده شده پستریجات و هم تنقیان را و بگذریم ظالمان را در آن برزخ اوقات مراد از روز قیامت
همین گذشتن است بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند ای پروردگار

مکتوب از
اینگران که بداند
اینکه گوییم بیگانه

وعده کرده بودی بود و دوزخ نادر و زخم را ندیدیم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شد
 و طبرانی از یحیی بن اسیب روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمانان
 گوید که زود گذرای بودم که نوز تو آتش مرا سرد کرد و در حدیث آمده که هر کس از آن لاداقه پیش از بلوغ مرده
 وارد دوزخ نشود مگر زود گذر و در حدیثی آمده که هر که گسبان مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود
 مگر جمله قسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدی مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون مومن
 از آتش نجات یابند جسمش کرمه شوند بر پل که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
 از بعضی در مقام چون میزان پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد در دست اوست که هر
 از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث احتمال
 کرده اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کنار همان صراط بر آید
 قصاص با هم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سواهی آن قصاص باشد که پیش از
 صراط شده آن قصاص دخول دوزخ باشد و این قصاص بحسن باشد از دخول جنت تا وقتیکه منتهی شود
 فصل جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی تا
 دخول جنت نتوانند کرد در آنکه میان بهشت و دوزخ باشد همچوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
 رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوری است میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهکارند
 که همچوس باشند حکم خدا بر سر دیوار اعراف برآمده و در میان بسیار ردنی و شستیان با بسفید روی
 شناسند چون بسوی این بهشت بینند و خون بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخ میان بینند از
 حال شان پناه جویند خدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد و قوله تعالی **الَّذِينَ
 اقْتَنَتُوا كَيْدًا لِلَّهِ بِرَحْمَةٍ اَدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا يَخُوفُهُمْ عَلَيْهِمْ وَاُولَئِكَ هُمُ الْمُحْسِنُونَ**
 و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن با فرزان چنان
 باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه
 و چرب شان خشک شود آن زمان حق تعالی بر حمت خود آنها را داخل بهشت کند از این حدیث مستفاد چنان
 است

اینست که در آن حدیث
 آمده است که هر کس از آن
 لاداقه پیش از بلوغ مرده
 وارد دوزخ نشود مگر زود
 گذر و در حدیثی آمده که
 هر که گسبان مسلمانان
 کند از کفار برای خدا
 در دوزخ وارد نشود مگر
 جمله قسم در صحیح بخاری
 از ابی سعید خدی مروی است
 که رسول فرمود صلی الله
 علیه وسلم که چون مومن
 از آتش نجات یابند جسمش
 کرمه شوند بر پل که میان
 دوزخ و بهشت باشد پس
 قصاص گرفته شود بعضی را
 از بعضی در مقام چون
 میزان پاک شوند داخل
 بهشت شوند پس قسم کسی
 که جان محمد در دست اوست
 که هر از شما خانه خود را
 در بهشت راه یابد چنانچه
 خانه خود در دنیا می
 شناسد علما در تفسیر این
 حدیث احتمال کرده اند
 بعضی میگویند که این پل
 دیگر باشد بعد صراط و
 بعضی میگویند که بر کنار
 همان صراط بر آید قصاص
 با هم استاده کرده شوند
 و ظاهر آنست که این
 قصاص سواهی آن قصاص
 باشد که پیش از صراط
 شده آن قصاص دخول
 دوزخ باشد و این قصاص
 بحسن باشد از دخول
 جنت تا وقتیکه منتهی
 شود فصل جماعتی از
 مسلمانان چون از آتش
 دوزخ بسبب اعمال صالحه
 نجات یابند و بسبب بعضی
 تا دخول جنت نتوانند
 کرد در آنکه میان بهشت
 و دوزخ باشد همچوس
 باشند آن قلعه را اعراف
 گویند رسول فرمود صلی
 الله علیه وسلم اعراف سوری
 است میان بهشت و دوزخ
 و اصحاب اعراف گناهکارند
 که همچوس باشند حکم
 خدا بر سر دیوار اعراف
 برآمده و در میان بسیار
 ردنی و شستیان با بسفید
 روی شناسند چون بسوی
 این بهشت بینند و خون
 بهشت را طمع کنند و چون
 بسوی دوزخ میان بینند
 از حال شان پناه جویند
 خدا آخر کار حق تعالی
 آنها را داخل بهشت سازد
 و قوله تعالی **الَّذِينَ
 اقْتَنَتُوا كَيْدًا لِلَّهِ
 بِرَحْمَةٍ اَدْخُلُوا
 الْجَنَّةَ لَا يَخُوفُهُمْ
 عَلَيْهِمْ وَاُولَئِكَ
 هُمُ الْمُحْسِنُونَ** و در
 حدیثی آمده که اصحاب
 اعراف مردان باشند که
 در راه خدا شهید شده
 باشند لیکن با فرزان
 چنان باشند بسبب شهادت
 داخل دوزخ نشوند و بسبب
 معصیت پدران داخل
 بهشت نشوند تا وقتیکه
 و چرب شان خشک شود
 آن زمان حق تعالی بر
 حمت خود آنها را داخل
 بهشت کند از این حدیث
 مستفاد چنان است

که از شهادت هر چند گناهان آمرزیده شوند که السیف محی الذنوب آمد و اما حقوق العباد آمرزیده نشود
 و این مسعود رضی الله عنه گفته که هر کس که حسنات او از سیئات بیک حسنه بفرزاید داخل بهشت شود
 و هر که سیئات او از حسنات بیک سینه بفرزاید داخل دوزخ شود و هر که حسنات و سیئات او برابر باشد
 آنها بر صراط مجوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مومنان مومنان را به بهشت رساند و نور مومنان
 منطفی شود و اصحاب اعراف را نور منطفی نشود لهذا طبع دوزخ حنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند
 غرض که اعراف را منزله بین المنزلتین نباید دانست چنانچه بعضی اهل ابواب گفته اند چرا که در اعراض خود نیستند
 فصل شفاعت اکرم الرسل صلی الله علیه و سلم و دیگر انبیاء و صدیقان و شهداء و اولیا و علماء و صالحین
 طفلان که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن و نماز و روزه و صدقه و مانند آن
 حق است هر گرا حق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
 بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله علیه و سلم سوره ملک را گفته **هِيَ الْمَاعِطَةُ**
الْمُنْجِيَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
 و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از آنجا رهایی یابند و بعضی از بهشت بشفاعت درجات عالی
 میسر شوند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من
 و بروایتی دو ثلث است من بغير حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود
 شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب احادیث بسیار مذکور و رسول صلی الله
 علیه و سلم که شفاعت من باشد برای کسانی که گناه کبیره کرده باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 خوب فرودم من برای بدان امت خود مردم گفتند چگونه یا رسول الله فرمود بدان بشفاعت من در
 بهشت روند و نیکان باعمال خود روند و فرمود که شفاعت کرده باشم کرده باشم تا آنکه گویم که امی
 پروردگار شفاعت من قبول کن در حق هر کس که لا اله الا الله گفته حق تعالی فرماید قسم بسم الله
 و جلال من که هیچ کس را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که از آن
 شنیده گوید **اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الثَّامَّةُ** تا آخر او شفاعت من باشد

این حدیث در بعضی نسخ
 است از عقاب رضی الله عنه
 که هر کس که حسنات او از
 سیئات او برابر باشد
 آنها بر صراط مجوس
 باشند آنها اهل اعراف
 اند نور مومنان مومنان
 را به بهشت رساند و نور
 مومنان منطفی شود و
 اصحاب اعراف را نور
 منطفی نشود لهذا طبع
 دوزخ حنت دارند و آخر
 کار داخل جنت شوند
 غرض که اعراف را
 منزله بین المنزلتین
 نباید دانست چنانچه
 بعضی اهل ابواب گفته
 اند چرا که در اعراض
 خود نیستند فصل
 شفاعت اکرم الرسل
 صلی الله علیه و سلم و
 دیگر انبیاء و صدیقان
 و شهداء و اولیا و
 علماء و صالحین طفلان
 که صغیر مرده باشند
 و شفاعت اعمال صالحه
 از تلاوت قرآن و نماز و
 روزه و صدقه و مانند
 آن حق است هر گرا حق
 تعالی اذن کند و هر
 وقت که اذن شود
 شفاعت کنند و
 شفاعت شان قبول
 شود بعضی کسان را
 در قبر شفاعت در
 رسد رسول صلی الله
 علیه و سلم سوره ملک
 را گفته هِيَ الْمَاعِطَةُ
 الْمُنْجِيَةٌ مِنْ
 عَذَابِ اللَّهِ و بعضی
 را در عرصات رسد
 مستحق دوزخ داخل
 دوزخ نشود و بعضی
 بعد دخول دوزخ
 بشفاعت از آنجا
 رهایی یابند و بعضی
 از بهشت بشفاعت
 درجات عالی میسر
 شوند رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم
 که حق تعالی مرا
 اختیار داده در میان
 آنکه نصف امت من
 و بروایتی دو ثلث
 است من بغير حساب
 و عذاب داخل بهشت
 شوند و در میان
 شفاعت برای امت
 خود شفاعت اختیار
 کردم و آن برای هر
 مسلمان باشد درین
 باب احادیث بسیار
 مذکور و رسول صلی
 الله علیه و سلم که
 شفاعت من باشد
 برای کسانی که
 گناه کبیره کرده
 باشند و فرمود
 آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم خوب
 فرودم من برای
 بدان امت خود مردم
 گفتند چگونه یا
 رسول الله فرمود
 بدان بشفاعت من
 در بهشت روند و
 نیکان باعمال خود
 روند و فرمود که
 شفاعت کرده باشم
 کرده باشم تا
 آنکه گویم که امی
 پروردگار شفاعت
 من قبول کن در حق
 هر کس که لا اله الا
 الله گفته حق
 تعالی فرماید قسم
 بسم الله و جلال
 من که هیچ کس را
 در دوزخ نگذارم
 که لا اله الا الله
 گفته باشد و
 فرمود علیه السلام
 که هر که از آن
 شنیده گوید
 اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ
 الدَّعْوَةُ الثَّامَّةُ
 تا آخر او شفاعت
 من باشد

و فرمود هر که ثابت باشد بر سخی مدینه و آنجا باشد برای او شهادت و شفیع باشم
 و فرمود هر که در مدینه یا کربلا بمیرد او را شفاعت کنم و فرمود هر که برای زیارت
 من آید واجب باشد بر من شفاعت او در روایتی آمده هر که زیارت قبر من کند واجب باشد
 بر من شفاعت او و فرموده بسیار درود بفرستید بر من بر روز جمعه و شب جمعه هر که چنین کند او را
 شهادت باشم و شفیع و فرموده هر که ده بار صبح و ده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من است
 و فرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که درود بر من بسیار فرستاده باشد
 و فرموده که هر که بعد نماز این دعا خواند **اللَّهُمَّ اعِظْ قَلْبِي عَلَى الْوَسِيلَةِ وَاجْعَلْهُ فِي الْمُسْتَطِقِينَ**
حُجَّتَهُ وَفِي الْعَالِينَ حُرَّتَهُ وَفِي الْمُقَرَّبِينَ حَادَةً واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله
 علیه و سلم و فرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مَرَجِيَّةٌ و دوم قَدْرِيَّةٌ
 مَرَجِيَّةٌ آن باشند که یقین کنند بغنّت و بگویند که مسلمان راهی گناه ضرر نکند چنانچه کافر هیچ حسنه
 فائده نکند و قدریه منکر شفاعت اند و میگویند که صاحب کبیره بدون توبه بخلد فی النار باشد و فرمود
 که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی پادشاه ظالم دوم آنکه درین از شرع تجاوز کند و براید یعنی اهل اهل
 مثل روانض خوارج و مانند آنها و فرمود که جدال بگزارید جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی آنچه
 خدا و رسول بفرماید آنرا قبول باید کرد و در آن جدال نباید کرد و فرمود اول شفاعت کننده و شفاعت
 قبول کرده شده من باشم و فرمود اول شفاعت انبیا باشد پسر شفاعت صدیقان پسر شفاعت
 و بروایتی اول شفاعت انبیا پسر شفاعت علماء پسر شفاعت شهدا پسر شفاعت مؤذنان و فرمود عالم
 دعا بد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شود و عالم را گفته شود که با بیست تا شفاعت کنی
 از این عمر مردیست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگر چه عدد ستارگان باشند و
 فرمود رسول صلی الله علیه و سلم که شهادت شفاعت کند در بهشتا و کس از اهل بیت خود و فرمود که حاجی که در
 چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند و فرمود که مردی شفاعت کند برای یک مرد مردی برای دو
 کس روز قیامت و مردی باشد که شفاعت او زیاده از بنی تمیم و مثل ربیع و منصف داخل بهشت
 شد

این دعا را در روز جمعه و شب جمعه بخواند
 و در روز قیامت با او درود
 فرستند و او را شفاعت
 محمد صلی الله علیه و سلم
 است
 و اگر چه در روز قیامت
 در آن روز که در آن روز
 است

و فرموده که مردی از اهل بیت مشرف شود بر دوزخیان مردی از اهل دوزخ گوید ای فلان تو مرا شهادت
 گویدی گوید که من آنکس هستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا
 کند او از آتش براید مردی را گوید من ترا آب وضو داده بودم مردی دوزخی مردی شیعی
 گوید یا داری که تو مرا برای کاری فرستادی من فرستم و کار تو کردم او شفاعت کند و رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم در تفسیر قوله تعالی **وَمَنْ يَزِدْهُمْ مِغْرَابًا مِّنْ فَضْلِهِ** مراد از
 میزیدم من فضل شفاعت است برای دوزخیان کسانی که با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرمود
 که حافظ قرآن را که حلال را حلال و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند و کس
 که آتش برایشان واجب باشد و فرمود طفلان مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعتشان
 قبول شود و در حدیثی آمده هرگز اسه چهره باشد بر دروازه بهشت استاده باشند آنها را گفته
 که در بهشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود
 شما و پدر و مادر شما و فرمود که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شربت
 بازداشته بودم شفاعت من قبول کن قرآن گوید که من این را از ختن بازداشته بودم و حج را
 روز قیامت لب و زبان باشد شهادت دهد برای کسی که بوسه داده بر او رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 لعنت گویندگان روز قیامت شاید و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
 صلی الله علیه و سلم است او از آتش بیرون شدند شفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
 دیگران از علماء و صلحا و غیرهم داخل شفاعت آنحضرت است که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت
 یافتند حق تعالی برای اظهار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید خدری
 مروی است که رسول صلی الله علیه و سلم فرموده چون مومنان از آتش بیابند و از صراط بگذرند در جناب
 برای برادران خود که در دوزخ باشند او از شفاعت مبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز
 روزه و حج میگردند حکم شود که برارید بر کرا بشناسید حق تعالی آتش بر صورتهای مسلمانان حرام کند
 صورتهایشان بحال باشد پس برارند خلقی کثیر را و گویند یا رب حالا از آنها کسی نمانده که امر کردی حکم شود

پس تمام حدیثان
 در این باب از قول
 هم ایشان را از فضل

که باز بید و بر که در دل او بقدر و بیارایان باشد و برابر اید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که برود
 و برابر کسی را که در دل او مثل مورچه ایسان باشد پس برانند خلقی کثیر را از بگویند یارب حالا گنجا شستیم در دو رخ
 هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیای شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند
 و باقی نماند مگر ارحم الراحمین **فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ الشَّارِكِ** یعنی حق تعالی یک قبضه از او در رخ بگیرد
 پس بر او قومی را که گاهی هیچ عملی نیک نکرده است مثل آنکست شده است پس میزند حق تعالی آنها را در
 سری بر روی بهشت آزار نه جهات گویند پس ایند چنانچه دانند می رود در سبیل پس بر ایند مثل دانه مروارید
 در گردنهای شان مهربا باشند این بهشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی مانند یک در میان دو رخ بود
 بهشت روی او بسوی و در رخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دو رخ بگردان حق تعالی فرماید که چیزی
 دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکند حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و بازگی جنت بیند مدتی خاموش ماند
 باز گوید که مرا نزدیک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که دیگر سوال نکند باز از او عهد کرد
 که دیگر سوال نکند و بر دروازه بهشت بر مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید
 عهد کرده بودی که سوال نکند او گوید آنگی مرا بد بخت ترین خلق کن و کار کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را به
 و بفرماید که آرزو کن آرزو کند تا که منقطع شود آرزو او حکم شود که آنچه آرزو کردی ترا باشد و چه چیز زیاد آرزو
 فصل رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که رحمت راجع تعالی صد حصه کرده و کجبه در جمیع خلایق تقسیم کرده
 و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخند الله رحمت خواهد
 که انجیل اسید دار شود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن و علمای را باشد حق تعالی میفرماید **مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا**
وَيُخْرِجْهُ مِنْ عِلْمٍ غَيْرِ عِلْمٍ یعنی هر که از یاد خدا بترسد ما را از آن علم که نماند
سَابِقًا أَخْرَجْنَاهُ مِنْ قَبْلِهِ یعنی آنچه ما پیش از این از آن علم که نماند
وَيَخْرُجُنَّ إِلَىٰ خَيْرٍ مِّمَّا كَانْنَ یعنی هر که از یاد خدا بترسد ما را از آن علم که نماند
وَيُخْرِجْهُ مِنْ عِلْمٍ غَيْرِ عِلْمٍ یعنی هر که از یاد خدا بترسد ما را از آن علم که نماند
وَيُخْرِجْهُ مِنْ عِلْمٍ غَيْرِ عِلْمٍ یعنی هر که از یاد خدا بترسد ما را از آن علم که نماند
وَيُخْرِجْهُ مِنْ عِلْمٍ غَيْرِ عِلْمٍ یعنی هر که از یاد خدا بترسد ما را از آن علم که نماند
وَيُخْرِجْهُ مِنْ عِلْمٍ غَيْرِ عِلْمٍ یعنی هر که از یاد خدا بترسد ما را از آن علم که نماند

این فضا را حفظ
 در تو صیقل بگویند
 آرزو نه از او
 ز غلبه نیست و
 نظارت با او
 محمولون بنده
 من است و ما
 این فصل
 در توفیق او
 سبحان الله
 ۴۵

سابقان داخل بهشت شوند غیر حساب میان روان حساب لیسر شود و ظالمان در طول محشر مجوس باشند پس رحمت خدا
 آنرا تلافی کند گویند **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي آذَنَّاكَ بِهِ نَحْنُ وَأَبْنَاكَ اللَّهُ** آن درینا ان ربه ان الغفور الشکور
 و فرمود که حق تعالی را فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت میدادم برای شما بر هر چه شما بجا
 قانده بهترین مسلمانان نزد خداست فرقی اند شهادت که جان خود را در راه خدا بذل کردند و دوم علما که عقل
 و حواس خود را در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خود را در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است
 که نیت خالصانه باشد و گرنه اول بد و زنج رو نند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
 علیه و سلم اول کسی که حکم کند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو
 چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جبری و شیخ
 پس گفته شد حکم شود که او را کشیده بد و زنج اندازند دوم عالم که حق تعالی نعمتها با داده پسند که چه
 عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ
 گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد حکم شود بد و زنج انداخته شود سوم
 مردی که او را حق تعالی مال داده او بر صنف مال مردم بخشیده چون نعمتها خدا با داده از او پسند
 چه عمل کردی گوید که در راه تو مال بر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی نمیدادی مردم را
 مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد حکم شود بد و زنج انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصانه
 شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ** عمل معتبر نیت است
فصل الإيمان بين الخوف والرجاء ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود تکیه نکنند اگر
 بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی توان برآمد بگو گناهکاران
 که از رحمت خدا نا امید نشوند که من گناهان کبیره را نمی بخشم و باکن ندارم و طبرانی از واثقه بن اسقع روایت کرد
 که آنحضرت فرمود صلی الله علیه و سلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی از او گوید چه میخوا
 اگر خواهی حساب اعمال ترا جزا بهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید الهی تو داناتری من گناهی نکرده ام نگاهم

عنه استاین
 خدای را که برودان
 اندوه در پیشک
 پدید آید کار ما بر آید
 بخشنده و قادر است

عنه بیان در بیان
 چه در بیست